

روش‌شناسی تفسیر امام جواد (علیه‌السلام)*

زینب السادات حسینی**

زهرا اکبری***

چکیده

پیشوایان معصوم دین (ع)، راسخان در علم و عالم و معلّم قرآن می‌باشند. روایات تفسیری آنان به عنوان یکی از منابع ارزشمند تفسیر قرآن، نزد مفسران در گویاسازی مقاصد آیات، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد که اگر این روایات وجود نداشت، فهم و تفسیر بسیاری از آنها غیرممکن بود. از این‌رو، از دیرباز روایات تفسیری به عنوان یکی از منابع ارزشمند تفسیر قرآن کریم، نزد مفسران تلقی شده است. نگاهی کوتاه به روایات تفسیری آشکار می‌سازد که آن بزرگواران برای تفسیر آیات و بیان دلالت‌های آن، روش‌شناسانه و ضابطه‌مند عمل نموده و به تناسب موضوعات کلامی، فقهی، اخلاقی و غیره از ابزارهای گوناگونی بهره گرفته و روش‌ها و گرایش‌های مختلفی را اتخاذ کرده‌اند. این نوشتار که به شیوه توصیفی و تحلیلی سامان یافته، به تبیین شیوه‌ها و روش‌های تفسیری نهمین امام شیعه، امام جواد (ع) می‌پردازد. با تتبع در آرای تفسیری برجامانده از امام (ع)، سه گونه روش تفسیری ملاحظه شده است که شامل تفسیر قرآن به قرآن، قرآن به سنت و تفسیر عقلی و اجتهادی می‌شود و تفسیر اجتهادی ایشان شامل تفسیر مفردات قرآن کریم، شرح آیات الاحکام، تعیین معنای باطنی و سبب نزول آیات است. از این لحاظ شیوه تفسیری امام جواد (ع)، روش تفسیری جامع می‌باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، امام جواد(ع)، روایات تفسیری، روش تفسیری.

*- تاریخ دریافت: ۹۶۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۶۰۷/۱۳

** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

۱. مقدمه

قرآن مرتبه‌ای از علم الهی و جامع‌ترین و استوارترین رهنمون برای دستیابی بشر به سعادت و کمال بر قلب مبارک پیامبر (ص) سکنا گزید و آن حضرت (ص) علاوه بر دریافت و ابلاغ این وحی قرآنی بر مردم، رسالت تبیین و تشریح فرایض و سنن آن را نیز به گواه آیات عظیمش عهده دار شد. پس از ختم نبوت و انقطاع وحی تشریعی، سلاله پاک ایشان بر حسب نص مورد اتفاق فریقین، ضامن نشر علوم و معارف الهی و پرچم دار و پیام رسان شریعت گردیدند.

کتاب خدا مقام بلند آنان را بازگو نموده است؛ به این صورت که یا آیه‌ای مستقیماً در شأن آنان نازل شده یا تأویل و تفسیر آیه‌ای از قرآن به آنان برمی‌گردد. امام سجاد (ع) در تأویل آیه «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّيْلِ هِيَ أَقْوَمٌ...» (الإسراء/۹) می‌فرماید: «... امام به سوی قرآن هدایت می‌کند و قرآن به سوی امام. این است معنای آیه (بحرانی، ۱۴۱۶ق:۱/۳۶).

بدین‌سان آموزه‌های اسلامی همراهی و جدایی‌ناپذیر بودن قرآن و عترت را بازگو نموده‌اند؛ چنانکه رسول خدا (ص) در حدیث معروف ثقلین از آن پرده بر می‌دارد و می‌فرماید: «... إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۴۷/۳۹۹).

این سخن به روشنی از مقام علمی و تفسیری اهل بیت (ع) خبر می‌دهد و آنان را بهترین مفسران و زبان گویای قرآن معرفی می‌کند. امام علی (ع) شأن ائمه (ع) را در شناخت قرآن چنین بیان می‌فرماید: «تأویل قرآن را جز راسخان در علم نمی‌دانند. راسخان در علم تنها یک نفر نیست؛ رسول خدا (ص) از جمله آنها است.

خداوند علم تأویل را به او آموخت و او نیز به من یاد داد. راسخان در علم، پس از رسول خدا (ص) از نسل او خواهند بود» (هلالی، بی‌تا: ۶۶۱).

با توجه به نقش اهل بیت (ع) در گویاسازی آیات قرآن و امکان فهم دقیق قرآن از طریق آنان، روایات تفسیری اهمیت فراوانی دارد. در این نوشتار، روایات تفسیری امام جواد (ع) با رعایت و محور قرار دادن مفهوم نوظهوری به نام «روش تفسیری» مورد بررسی قرار می‌گیرد. این امر در شناخت شیوه‌های تعامل آن حضرت (ع) با قرآن کریم، بسیار مهم و راهگشا است. همچنین اهمیت این موضوع اکنون با توجه به انسجام مباحث تفسیری در قالب‌هایی مانند گرایش‌های تفسیر، روش تفسیر، منابع تفسیر و غیره نیز قابل درک است.

در این تحقیق منظور از روایات تفسیری امام جواد (ع)، روایاتی است که دارای دو ویژگی زیر باشد:

۱. روایاتی که به طور مستقیم در تفسیر آیه یا آیاتی از قرآن کریم صادر شده باشد؛
۲. روایاتی که اگرچه به آیه‌ایی خاص اشاره نکرده است، ولی در تبیین معنای آیه، سهیم است.

به این ترتیب روایاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در روشن شدن معنای آیه نقش داشته و در فهم و تبیین آیه کارگشا باشد، روایات تفسیری دانسته شده است.

۲. مقام علمی و تفسیری امام جواد (علیه‌السلام)

یکی از ابعاد برجسته زندگی امام جواد (ع)، حیات علمی ایشان است. گزارشگران و تاریخ‌نگاران، آن حضرت (ع) را سرآمد دانشمندان زمان خود معرفی کرده‌اند و محدثان و مفسران، از جایگاه ایشان در تفسیر و تبیین آیات قرآن، داد سخن داده‌اند.

امام جواد (ع)، از جمله اهل ذکری است که خداوند، مردم را برای دستیابی به حقایق قرآنی به ایشان ارجاع می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «... فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.» (النحل/۴۳؛ الأنبياء/۷)

امام رضا (ع) نیز در سخنانی، فرزند خود؛ جواد (ع) را همانند خودش، زنده‌کننده حق و محوکننده باطل معرفی می‌کند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۵۳).

بهرغم این توصیفات، یکی از چالش‌هایی که امام جواد (ع) در آغاز امامت خود با آن مواجه شد، توهم ناآگاهی و اتهام نادانی از سوی برخی از معاصران و اصحاب ایشان بود. آن بزرگوار، زمانی ردای امامت را بر تن کرد که هنوز هشت سال از عمر شریفشان نگذشته بود و این مسأله به این پندار باطل دامن زد که حضرت (ع) از علم کافی برخوردار نیست و به این ترتیب، شایستگی امامت از او سلب می‌شود. از این رو، علم آن بزرگوار از سوی گروه‌های مختلف به محک گذارده شد؛ نخست، از سوی شیعیانی که سن کم امام (ع)، آنان را به حیرت افکند و با طرح مسائل پیچیده فقهی و کلامی می‌خواستند امام عصر خود را بازشناسند و بر اطاعت او گردن نهند (جعفریان، ۱۳۸۶ش: ۴۸۲) و دوم، از سوی خلفا و کارگزاران دولت عباسی که می‌کوشیدند با شکست امام (ع) در مناظرات، اعتقاد شیعیان به ایشان را منصرف ساخته و علم الهی ائمه (ع) را زیر سؤال ببرند و از این فرصت برای تقویت مبانی اندیشه اعتزال استفاده کنند (همان)؛ ولی امام جواد (ع) با پاسخ‌های صریح خویش، هر گونه تردید در پیشوایی خود را از بین برد و آنان را به فضل و دانش خود به اعتراف وادار کرد.

در حقیقت این نشست‌ها و مناظره‌ها روشن ساخت که امامت، منصبی الهی و به انتخاب خداست و اوست که امام را با دانش و عصمت استوار می‌سازد. بنابراین،

مسأله امامت کمترین تلازمی با سن امام ندارد. اعتراف‌های بسیاری درباره علم امام به دقایق هستی و حقایق الهی؛ به ویژه پس از این مناظرات وجود دارد که شنیدنی است. برای نمونه مأمون در پاسخ کسانی که به ازدواج دخترش ام فضل با امام جواد (ع) بر او خرده گرفتند، گفت: «من این جوان را بیش از شما می‌شناسم. او از خاندانی است که علمشان لدنی است و از الهام و وحی سرچشمه می‌گیرد و پدران‌ش همواره در علم و ادب از کسب علم و آموزش‌های معمولی بی‌نیاز بوده‌اند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۷۵).

ابن حجر هیثمی، یکی از محققان اهل تسنن (م ۹۷۴ هـ)، پیرامون دانش گسترده امام جواد (ع) می‌نویسد: «مأمون او را به دامادی انتخاب کرد؛ زیرا با وجود سن کم، از نظر علم و آگاهی و حلم، بر همه دانشمندان برتری داشت» (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۵). به رغم همه این آگاهی‌ها، فعالیت‌های علمی امام (ع) متأثر از شرایط سیاسی و اجتماعی عصر خود و متناسب با آن بود؛ چرا که فشارهای سیاسی و کنترل‌های شدید، شعاع فعالیت ایشان را محدود می‌کرد؛ هرچند که از عمق و غنای روایات نتوانست کم کند. از فعالیت‌های علمی امام جواد (ع) می‌توان به امور زیر اشاره کرد:

یک. اهل بیت (ع) از سوی رسول خدا (ص) به عنوان شایسته‌ترین جانشینان او برای تبیین و تبلیغ پیام الهی و بهترین هادیان بشر در همه عرصه‌های حیات انسانی معرفی شدند. از این رو، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های امام جواد (ع) در طول سال‌های حیات، تبیین مبانی و اصول شریعت اسلام بوده است. در دوران حیات ایشان، مجموعه‌ای از عوامل و مهم‌ترین آن، وجود جریان‌های انحرافی مانند غلات، واقفیه و اهل حدیث (جعفریان، ۱۳۸۶ش: ۴۹۰) سبب شد تا بنیان‌های اعتقادی مسلمانان با چالش‌های جدی مواجه شود و موضوع فهم نصوص دینی اهمیت

ویژه‌ای بیابد. این جریان‌ها برای دفاع از اعتقادات خود، از نصوص دینی کمک می‌گرفتند و هر کدام، فهم خود را مبنا قرار می‌دادند و چه بسار معنایی وارونه از قرآن ارائه می‌دادند؛ لذا امام جواد (ع) در مقام مرجع دینی و فکری پاسخگو، در صدد رفع ابهام از شبهات برآمد و حقایق شریعت اسلامی را از پندار پوچ مخالفان متمایز - ساخت. از آن حضرت (ع) نزدیک به دویست و پنجاه حدیث در زمینه‌های مختلف فقهی، تفسیری، اخلاقی و غیره به دست ما رسیده است.

دو. امام جواد (ع) به رغم فضای سیاسی حاکم، ارتباط خود را با شیعیان حفظ می‌کرد؛ به این ترتیب، شاگردانی در محضر ایشان تربیت شدند که هر کدام در نشر حدیث اهل بیت (ع)، رشد دانش اسلامی و گسترش مکتب تشیع، نقش بسزایی داشتند. شیخ طوسی در کتاب *رجال*، در شمارش راویان آن حضرت (ع) از صد و شانزده نفر نام می‌برد (رک: طوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۸۰-۳۷۳). بدیهی است که این تعداد، نسبت به شاگردان صادقین (ع) کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد که البته علاوه بر اختناق و فشارهای سیاسی حاکم، شهادت زود هنگام حضرت (ع) نیز بی‌تأثیر نبوده است. شیخ کلینی شهادت ایشان را در سن ۲۵ سالگی و در سال ۲۲۰ هجری نوشته است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۴۲۱).

با این وجود، در میان شاگردان حضرت جواد (ع) چهره‌های سرشناسی همچون عبدالعظیم حسنی، ابوهاشم جعفری، علی بن مهزیار اهوازی، احمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، احمد بن اسماعیل بن بزیر، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن عیسی بن عبید و غیره وجود دارد که تراجم نگاران به مدح و تمجید آنان پرداخته‌اند. برای نمونه، نجاشی در توصیف فرد اخیر به شماره ۸۹۶

می‌نویسد: «او در میان اصحاب ما، جلیل‌القدر، ثقه، بزرگوار و کثیرالروایت است و نوشته‌هایش نیکو است» (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۳).

سه. امام جواد (ع) به دلیل جایگاه و اهمیت حدیث - به ویژه سنت نبوی - به عنوان دومین مدرک دریافت معارف الهی و استنباط احکام، نسبت به حفظ حدیث اهتمام جدی داشت و کج فهمی‌ها و انحرافات را در این زمینه گوشزد می‌کرد. شواهدی در این باره وجود دارد که از آن جمله است:

الف. به دلیل وجود احادیث جعلی و خرافی، امام (ع) برای راهنمایی مردم، معیارهایی را برای شناخت و ارزیابی حدیث صحیح معرفی کرد. ایشان در سخنی از قول رسول خدا (ص) چنین می‌فرماید: «هرگاه سخنی از من به شما رسید، آن را با کتاب خدا و سنت و روش من مقایسه کنید؛ هرگاه با آن دو موافق بود، آن را به کار بندید و اگر مخالف کتاب خدا و سنت من بود، رها کنید» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۴۴۷/۲).

ب. همچنین امام جواد (ع) در مورد برخی از رجال و راویان اخبار هشدار می‌داد؛ چنانکه در مورد احمد بن محمد بن سیار (ابو عبدالله الکاتب البصری) فرمود: «او در جایگاهی که برای خود ادعا می‌کند، قرار ندارد» (کشی، بی‌تا: ۸۶۵/۲).

ج. آن حضرت (ع) گاهی با تکذیب برخی اخبار، سره از ناسره جدا می‌ساخت و مانع جایگزینی بدعت به جای سنت شد. برای نمونه ایشان در مناظره با یحیی بن اکثم (م ۲۴۲ هـ) فقیه و قاضی بغداد، برخی از اخبار کذب را ردّ می‌کند. یحیی به امام جواد (ع) می‌گوید: «ای فرزند رسول خدا (ص) درباره این خبر چه می‌فرمایید که می‌گوید: جبرئیل خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای محمد! خدای متعال به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: از ابوبکر بیرس آیا از من راضی است؟ من البته از او راضی هستم». امام (ع) با عرضه این سخن بر آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا

تُسَوِّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۱۶)؛ فرمود: «اینکه رضا و سُخْت ابوبکر بر خدای متعال پنهان است، تا جایی که از راز درون او پرس و جو می‌کند، عقلاً محال است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۲/۴۴۷).

او در ادامه می‌پرسد: «روایت شده که مثل ابوبکر در زمین مثل جبرئیل و میکائیل در آسمان است». حضرت (ع) پاسخ می‌دهد: «این خبر نیز محل تأمل است؛ چرا که جبرئیل و میکائیل دو ملک مقرب هستند و هرگز نافرمانی خداوند را نکرده‌اند ... در حالی که ابوبکر و عمر به خدای متعال شرک ورزیدند، هر چند بعداً مسلمان شدند؛ ولی بیشتر روزگار خود را در شرک سپری کردند. بنابراین، همسانی جبرئیل و میکائیل از محالات است» (همان).

بار دیگر یحیی می‌گوید: «از پیامبر (ص) روایت شده که فرمود: اگر من به رسالت مبعوث نمی‌شدم، عمر مبعوث می‌شد». امام جواد (ع) فرمود: «کتاب خدا راستگوتر از حدیث است که می‌فرماید: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ اِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمُ مِيثَاقًا غَلِيظًا؛ و (یادآر) آن گاه که ما از پیغمبران عهد و میثاق گرفتیم و هم از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم از همه پیمان محکم گرفتیم» (الأحزاب/۷). بی‌گمان، خدای متعال که پیمان پیامبران را از قبل گرفته بود، چگونه ممکن است آن را تغییر دهد؟ [علاوه بر آن] تمام پیامبران، چنان بوده‌اند که قدر یک چشم برهم زدن نیز به خدای متعال شرک نورزیده‌اند؛ چگونه ممکن است مشرکی که بیشتر عمر خود را در شرک سپری کرده، به پیامبری برانگیخته شود؟» (همان، ۴۴۹).

چهار. از دیگر فعالیت‌های امام جواد (ع)، تفسیر و تبیین قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع تعالیم و احکام اسلامی است. قرآن کریم به دلایل مختلفی از جمله،

وجود معارف بلند و الفاظ محدود، اشتغال بر کلیات و عدم ذکر جزئیات، نیازمند تفسیر و تبیین است (بایابی و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۴۰-۳۶). بر همین اساس، امام (ع) با توجه به نقش حیاتی قرآن کریم در زندگی انسان، با تفسیر و توضیح درست آیات، مسلمانان را به فهم صحیح کتاب خدا راهنمایی می‌کرد. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که بدانیم جریان‌های گوناگون فکری و کلامی آن عصر، به آیات قرآن توجه ویژه‌ای داشتند و از آن برای شکل دهی به آرای اعتقادی خود استفاده می‌کردند. فضای جامعه مملو از آراء و نظراتی بود که به سبب تفسیرهای ناروا و برداشت‌های سلیقه‌ای از آیات قرآن، شکل گرفته بود و از این لحاظ، نیاز شدیدی به جداسازی سره از ناسره احساس می‌شد؛ لذا حضرت (ع) در موارد متعددی، مقصود اصلی آیات را بیان می‌کرد تا از تفسیر به رأی و برداشت‌های غلط در این زمینه جلوگیری کند.

۳. منبع‌شناسی روایات امام جواد (علیه‌السلام)

روایت‌های منقول از امام جواد (ع) به طور پراکنده در جوامع روایی شیعه درج شده است. هر یک از مجموعه‌های الکافی، تحف العقول، تفسیر قمی، من لایحضره الفقیه، معانی الاخبار، التوحید، کمال الدین، تفسیر منسوب بالامام الحسن العسکری، البرهان در بردارنده تعدادی از احادیث آن بزرگوار است. اخیراً مجموعه‌ایی با نام مصحف امام جواد(علیه‌السلام) توسط آقای عزیزالله عطاردی- که در مسیر تدوین احادیث هر یک از ائمه علیهم‌السلام گام برمی‌دارد- تهیه شده که همه احادیث حضرت (ع) را در یک محل گردآوری کرده است. همچنین پژوهشکده باقرالعلوم سخنان حضرت جواد (ع) را در کتابی به نام فرهنگ سخنان جامع امام جواد (ع) به چاپ رسانده

است. این کتاب سخنان حضرت (ع) را در چهار فصل عقاید، اخلاق، احکام و دعا تنظیم کرده و احادیث را ذیل هر موضوع گنجانده است.

۴. روش‌های تفسیری امام جواد (علیه‌السلام)

مراد از روش تفسیری، استفاده از ابزار یا منابع خاص، در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست دهد (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸ش: ۲۱). قرآن کریم، سنت و حدیث پیشوایان معصوم دین، منابع تاریخی و لغوی و به کارگیری عقل و اجتهاد از مهم‌ترین منابع تفسیر کتاب وحی دانسته شده‌اند.

تتبع در آرای تفسیری به جا مانده از امام جواد (ع) معلوم می‌کند که ایشان با استفاده از سه منبع قرآن، روایات و اجتهاد، به شرح و تبیین آیات قرآن کریم می‌پردازد و از این لحاظ انواع روش‌های تفسیری، قرآن به قرآن، قرآن به سنت و اجتهادی در تفسیر حضرت (ع) وجود دارد که در مباحث روش شناسی قرآن کریم، آن را روش تفسیری جامع نام نهاده‌اند (معرفت، ۱۳۸۵ش: ۲/۲۲۷).

۴-۱- تفسیر قرآن به قرآن

انسجام و پیوند معنایی آیات قرآن کریم سبب شده است که بخشی از آیات قرآن، گویای بخشی دیگر باشد و از آن، رفع ابهام نماید. پیشینه مراجعه به قرآن کریم در تفسیر، به زمان نزول کلام الهی برمی‌گردد و رسول خدا (ص) به عنوان نخستین مفسر قرآن کریم، آیات را مفسر یکدیگر قرار داده و چاره مبهمات کرده‌اند. پیشوایان معصوم دین و عده‌ای از شاگردان ایشان (ع) و در طبقه بعدی، مفسران اسلامی نیز

این روش را در پیش‌گرفتند. برخی تا جایی پیش رفتند که تفسیر قرآن کریم را جز با آیات ممکن ندانسته و از روش‌های دیگر کمتر بهره گرفته‌اند.

در اقوال تفسیری امام جواد (ع) نیز استفاده از این روش، وجود دارد و ایشان برای دستیابی به معنای آیه از آیات دیگر کمک می‌گیرد که نمونه‌هایی از آنها یادکردنی است:

۴-۱-۱- توضیح آیه مجمل به وسیله آیه مبین

کارکرد آیات قرآن در گویاسازی بخشی دیگری از آیات، توضیح و شرح آیه مجمل است. آیه‌ایی که معنای روشنی ندارد و نیازمند تفسیر است. امام جواد (ع) در تفسیر آیه «ما نُنسخُ مِنْ آیهٍ أَوْ نُنسخُها...؛ هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم» (البقره/۱۰۶) می‌فرماید: «یعنی یاد آن را از دل‌های دیگران و تو ای محمد، پاک می‌کنیم. همچنانکه خدای متعال فرمود: «سُنْفِرُنْكَ فَلا تُنْسِي، إِلَّا ما شاءَ اللهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما يَخْفَى؛ ما بزودی بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی، جز آنچه خدا خواهد، که او آشکار و آنچه را که نهان است، می‌داند» (الأعلى/۷-۶)؛ یعنی مگر اینکه خدای متعال بخواهد تو را به فراموشی وادارد، پس یاد آن را از دلت بر می‌دارد (الإمام العسکری (علیه‌السلام)، ۱۴۰۹ق: ۴۹۱).

آیه سوره بقره مفهومی به دست می‌دهد که با آگاهی ما از آموزه‌های دینی متفاوت است. آیه از فراموشی پیامبر (ص) در امر حفظ و ضبط قرآن کریم سخن می‌گوید، این در حالی است که ما معتقدیم فراموشی آیات با هدف نزول تعارض دارد و از این لحاظ پیامبر (ص) در این امر معصوم است.

امام (ع) برای تبیین مفهوم انساء و چگونگی آن، به آیاتی از سوره اعلی که مکی است و پیش از آن نازل شده، استناد می‌کند و اجمال را برطرف می‌سازد؛ به این صورت که اگر چه آیه اخیر، فراموش کردن آیهایی را از پیامبر (ص) نفی می‌کند - در مقابل آیه ۱۰۶ سوره بقره که در مقام اثبات این مسأله است - اما در عین حال با تعبیر «إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» می‌فهماند که انساء آیات از قدرت و اختیار خداوند بیرون نیست و اگر اراده کند، امری امکانپذیر است (طبایعی، ۱۳۷۲ش: ۲۰/۲۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۶/۳۹۴؛ خطیب، بی تا ش: ۱۶/۱۵۳۰).

در حقیقت این دو آیه مکی و مدنی از قدرت مطلقه و بی چون و چرای خداوند سخن می‌گویند که حتی با اینکه وعده عدم فراموشی در حفظ آیات را به پیامبر (ص) داده است، اما امکان آن را بعید ندانسته است؛ چرا که از قدرتی خلل ناپذیر و نامحدود صادر می‌شود.

۴-۱-۲- جمع آیات مطلق و مقید

نقش مقیدات در تبیین آیات کاملاً روشن است و استفاده از این روش در تفسیر امام جواد (ع) مثال مشهوری دارد. نقل است که زمانی که معتصم خلیفه عباسی از امام جواد (ع) درباره موضع قطع دست با توجه به ابهام آیه «السَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان بپزید «(المائدة/۳۸)، نظر خواهی کرد، امام در پاسخ با رد دیدگاه‌های مطرح و با استشهاد به آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ؛ مسجدها از آن خداست» (الجن/۱۸)، فرمود: «این دو دسته از فقها به خطا رفتند، و سنت را در این مسأله تشخیص ندادند؛ برای اینکه قطع دست دزد باید از بند اصول انگشتان باشد و کف دست باید باقی بماند. دلیلش بیان رسول خدا (ص) است که

فرمود: سجود باید بر هفت عضو بدن صورت بگیرد: صورت، دو دست، دو زانو و دوپا. از این رو اگر دست دزد را از مج قطع کنند، و یا از مرفق ببرند، دیگر دستی برایش نمی‌ماند تا با آن سجده‌کند، در حالی که خدای تعالی فرموده است: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ» (الجن/۱۸) محل سجده همه از آن خداست، یعنی این اعضای هفتگانه که بر آن سجده می‌شود، از آن خداست، (فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ پس هیچ کس را با خدا نخوانید) (الجن/۱۸) و چیزی که از آن خدا باشد، قطع نمی‌شود (عیاشی، ۱۳۸۰ش: ۱/۳۲۰-۳۱۹).

ایشان با توجه به این حقیقت که کیفر و حدّ دزدی باید در اعضای مرتبط به شخص صورت بگیرد؛ نه در عضوی که متعلق به خداست، بریدن کف دست را مشمول کیفر نمی‌داند.

۴-۱-۳- توضیح واژه به کمک برداشت تفسیری از آیه دیگر

شخصی از امام (علیه‌السلام) می‌پرسد: «واژه «أحد» در آیه شریفه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (الإخلاص/۱) چه معنا دارد؟» ایشان فرمود: هم آوایی همگان بر یگانگی او. آیا نشنیده‌ای که قرآن می‌فرماید: «وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ؛ اگر از آنها بپرسی به کسی آنها را آفریده است قطعا می‌گویند: خدا» (الزخرف/۸۷) (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۱۸).

۴-۲- تفسیر قرآن با سنت و سیره پیشوایان معصوم دین

یکی از روش‌های متداول در تفسیر قرآن کریم، تفسیر آیات با استناد به احادیث و اخبار است که به تفسیر مأثور و روایی شهرت دارد. در این روش، مفسر با مراجعه به کلام پیشوایان معصوم دین (ع) و یا صحابه و تابعان، به تفسیر کلام وحی می‌پردازد.

البته از دیدگاه شیعه، تفسیر مأثور تنها با منقولات رسیده از سوی پیشوایان معصوم دین اعتبار دارد و نقل دیگر افراد، معتبر نیست. شیخ طوسی از قول بزرگان امامیه نقل می‌کند که «تفسیر قرآن جز با خبر صحیح نبوی و اهل بیت او درست نیست» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۴/۱)؛ چرا که حجیت سخنان رسول (ص) و اهل بیت ایشان در شرح کتاب خدا، مستند به آیات و روایات بی‌شماری است و حجیت سخنان صحابه و تابعان امری اثبات نشده است.

امام جواد (ع) در موارد متعددی؛ چه در تفسیر کلام الهی و چه در تبیین معارف و احکام اسلامی، به سخنان برین نبوی و پدران بزرگوارشان مراجعه می‌کردند که در ذیل نمونه‌هایی از سخنان آن حضرت (ع)، ارائه می‌گردد:

۴-۲-۱- توضیح حکم آیه

امام جواد (ع) گاهی برای بیان احکام شرعی از سنت و سیره پدرانشان استفاده می‌کردند. از ایشان درباره زمان حلال شدن مردار بر مضطر، مطابق آیه «أَلَمْ نَحْرَمْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ...» [خداوند،] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است. [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست» (البقره/۱۷۳)؛ سؤال شد. ایشان در پاسخ به این فرع فقهی با استناد به سخن رسول خدا (ص) فرمود: «رسول خدا (ص) مورد پرسش قرار گرفت و به ایشان عرضه شد: ای رسول خدا! ما در سرزمینی قرار می‌گیریم و دچار مخمسه و تنگنا می‌شویم، چه وقت مردار بر ما حلال می‌شود؟ حضرت (ص) فرمود:

«اگر صبحانه نخورده و یا شام هم نخورده باشید و گیاهی هم به دست نیاوردید، خوردن مردار بر شما روا است» (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۳۴۳، ح ۹۳ باب الصيد والذبائح، متى تحل الميتة للمضطر).

۴-۲-۲- تبیین باطن آیه

در برخی روایات تفسیری، مفهومی از آیه دیده می‌شود که لفظ بر آن دلالت ندارد و دارای مفهومی فراتر از لفظ و عرف است و در اصطلاح قرآنی و روایی به آن، روایات بطن گرفته می‌شود (شاکر، ۱۳۸۲ش: ۳۱۲). این روایات، کارکرد زیادی در تبیین و توضیح معنای مراد از آیه دارند.

امام جواد (ع) در تفسیر آیه «فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ؛ آن گاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود» (النجم/۱۰)، فرمود: «رسول خدا (ص) راجع به مفاد این کلام الهی مورد سؤال قرار گرفت که در جواب فرمود: به من وحی شد که علی (ع) به یقین آقا و سرور جانشینان و پیشوای پرهیزگاران و رهبر و فرمانده روسپیدان و نخستین جانشین خاتم پیامبران است. مردم با شنیدن این سخن، بنای جدال و گفتگو گذاشتند و پرسیدند: آیا این سخن از جانب خدای تعالی و رسولش می‌باشد؟ اما خدای تعالی به پیامبر خود دستور داد که به آنان بگو: «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى؛ قلب پاک او در آنچه دید هرگز دروغ نگفت» (النجم/۱۱)؛ سپس با مردود شمردن سخنان آنان فرمود: «أَفْتَمَارُوهُ عَلِيَّ مَا يَرِي؛ آیا با او در آنچه دید، مجادله می‌کنید» (النجم/۱۲). آنگاه رسول خدا (ص) خطاب به مردم فرمود: البته راجع به علی (ع) مأموریت دیگری دارم که باید او را به امامت امت منصوب نمایم و به امت بگویم که این (علی) بعد از من، ولی شما است و او چونان کشتی است در روز غرق شدن

همگان، هر کس در آن درآید، نجات می‌یابد و هر کس از آن خارج‌گردد، غرقه غرقاب هلاکت‌گردد (قمی، ۱۴۰۴: ۳۳۴/۲).

۴-۲-۳- تبیین مفاد آیه

از دیگر کارکردهای روایات تفسیری، بیان مفاد آیات است که با توضیحات بیشتر به تفسیر هر چه بهتر آیه کمک می‌کند. امام جواد (ع) در توضیح مفهوم برخی آیات، از روایات پدرانیش بهره می‌گیرد. نمونه آن، استفاده از روایتی از امام صادق (ع) است که ایشان برای بیان مصادیق کبائر به آیات قرآن کریم استناد کرده و مفهوم این دسته از آیات را مصادیق گناهان کبیره دانسته است. امام صادق (ع) در روایتی نسبتاً طولانی و جذاب مصادیق گناهان کبیره را اینگونه ذکر می‌کرد: «اول شرک به خدا که فرموده: «مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ؛ هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش آتش است.» (المائدة/۷۲) و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ؛ قطعاً خداوند این گناه را که به او شرک ورزیده شود نمی‌آمرزد» (النساء/۱۱۶)؛ (دوم) یأس و ناامیدی از رحمت خداوند که فرمود: «لَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ جز کسانی که باور ندارند خدا بر زدودن رنج‌ها تواناست، کسی از رحمت خدا مأیوس نمی‌شود» (یوسف/۸۷)؛ (سوم) ایمن بودن از جزای مکر با خدا که فرمود: «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ جز مردم زیانکار از مکر خدا احساس ایمنی نمی‌کنند» (الأعراف/۹۹)؛ (چهارم) عقوق والدین، زیرا فرد عاق را ستمکار و بدبخت اطلاق فرموده «جَبَّارًا شَقِيًّا؛ زورگو و پندناپذیر» (مریم/۳۲)؛ (پنجم) کشتن نفس مؤمن که فرمود: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا؛ و هر کس مؤمنی را از روی

عمد بکشد سزای او دوزخ است که برای همیشه در آن خواهد ماند» (النساء/۹۳)؛ (ششم) نسبت زنا دادن به زن عقیفه که فرمود: «لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ در دنیا و آخرت لعنت شده و از رحمت خدا دور گردیده‌اند، و برای آنان عذابی بزرگ خواهد بود» (النور/۲۳)؛ (هفتم) خوردن مال یتیم که فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا؛ کسانی که اموال یتیمان را به ناحق می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند» (النساء/۱۰)؛ (هشتم) فرار از جهاد که فرمود: «وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ؛ و هر کس در آن هنگام پشت به آنان کند و بگریزد، با خشمی از خدا بازگشته است» (الأنفال/۱۶)؛ (نهم) خوردن مال ربا که فرمود: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ؛ آنان که ربا می‌خورند برنخواهند خاست، مگر بسان برخاستن کسی که شیطان با آسیب رساندن وی را دچار آشفتگی می‌سازد» (البقره/۲۷۵)؛ (دهم) سحر و جادو کردن که فرمود: «وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ؛ و آنها خوب می‌دانستند که هر کس خریدار سحر باشد (آن را بیاموزد و به کار اندازد) در آخرت نصیبی نخواهد داشت» (البقره/۱۰۲)؛ (یازدهم) زنا و فاحشه کردن، فرمود: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا؛ و هر کس این کارها را انجام دهد با وزر و وبال گناهانش رو به رو خواهد شد عذابش در روز قیامت دو چندان می‌شود و برای همیشه با خفت و خواری در آن عذاب می‌ماند» (الفرقان/۶۸-۶۹)؛ (دوازدهم) سوگند دروغ که فرمود: «الَّذِينَ يَشْتُرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ؛ آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشد اینان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا با آنها (از خشم) سخن نگوید و در قیامت به نظر رحمت بدانها ننگرد

و (از پلیدی گناه) پاکیزه شان نگرداند، و آنان را عذابی دردناک خواهد بود»
(آل عمران/۷۷) (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۵/۲-۲۸۷)

۴-۳- تفسیر اجتهادی

اجتهاد در لغت به معنای طاقت و مشقت آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ماده جهد؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ماده جهد). راغب اصفهانی اجتهاد را «وادار کردن نفس به صرف توان و تحمل مشقت معنا می‌کند (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۱۰۱). این واژه معنای مصطلح در علم تفسیر و اصول است. اجتهاد در تفسیر به «تلاش برای فهم و آشکار کردن معانی و مقاصد آیات بر اساس شواهد و قرائن معتبر است» معنا شده است (بابایی، ۱۳۹۱ش: ۱۱/۲) که در مقابل تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به سنت قرار دارد. پذیرفتن این روش در تفسیر، نظریه مکتب اجتهادی در تفسیر را به وجود آورده است که پیروان این مکتب آیات را با استفاده از قواعد ادبی، تعیین مصداق ظاهری و بیان معنای باطنی آیات، تأویل، سبب نزول و غیره تفسیر می‌کنند (همان).

در آرای تفسیری امام جواد (ع) نمونه‌هایی از تفسیر اجتهادی که شامل تفسیر مفردات آیات، بیان آیات الاحکام و تعیین معنای باطنی آیات می‌شود، وجود دارد. نمونه‌هایی از آن را در ذیل بر می‌رسیم:

۴-۳-۱- تفسیر معناشناسی

بی‌تردید فهم قرآن و دریافت معنای دقیق آن در اولین گام خود نیازمند رمزگشایی از واژگانی است که چون حلقه‌های یک زنجیر کنار هم قرار می‌گیرند تا آن کلام را موجودیت بخشند. بخشی از مساعی پیشوایان معصومان دین نیز توجه دادن به معانی

صحیح مفردات قرآن بوده است. این مساعی از طرق مختلف بیانی به ظهور رسیده که از صورت‌های گوناگونی مانند مفهوم کلمه بر اساس لغت عرب، بیان تفسیری، توضیح واژه بر اساس اصول عقلایی محاوره، بیان توصیفی، بیان توسیعی، تبیین تمثیلی، بیان تصویری، بیان مصداقی، بیان غایی، بیان تأویلی برخوردار است (معارف، ۱۳۸۸ ش: ۲۰۵-۱۸۵). برخی از این صور در سخنان امام جواد (ع) مثال‌هایی دارد که عبارتند از:

۴-۳-۱-۱- بیان مفهوم کلمات بر اساس قواعد ادبیات عرب

آن حضرت (ع) در توضیح واژه‌های «منخنقه»، «موقوذه»، «متردیه» و «نطیحه»، که در آیه سوم سوره مائده آمده، با استفاده از ادبیات عرب فرمودند: «منخنقه حیوانی است که خفه شده باشد و موقوذه حیوانی است که بیماری او را از پای درآورد. متردیه آن است که از جای بلند سقوط کرده یا در چاه افتاده باشد و نطیحه حیوانی است که دیگری به او شاخ زده و مرده است» (صدوق، ۱۴۱۳ ق: ۳/۳۴۴، ح ۹۳ باب الصيد والذبائح، متی تحل المیتة للمضطر).

نمونه دیگر، روایتی است که در معناشناسی واژه «صمد» آمده است؛ داوود بن قاسم جعفری از امام (ع) روایت می‌کند که فرمود: «بزرگی که مردم در کارهای بزرگ و کوچک خود به او مراجعه می‌کنند» (کلینی، ۴۰۷ ق: ۱/۱۲۳).

کلینی پس از نقل این روایت، یادآور می‌شود که این تعبیر امام جواد (ع) کاملاً منطبق بر ادبیات عرب است؛ چرا که در این زبان مصمود به معنای مقصود است. شیخ سپس توضیح می‌دهد که آنچه گروه مشبهه به عنوان تعریف این واژه به عنوان ذات پری که جوف و خلأ ندارد، ذکر کرده‌اند، صحیح نیست؛ زیرا چنین توصیفی جز

برای اجسام شایسته نیست و خداوند برتر از آن است که به مانند اجسام توصیف گردد (همان).

امام جواد (ع) در تفسیر واژه امّی به همان معنای رایج واژه‌ام در حوزه ادبیات عرب استناد می‌کند و دلیل نامیدن رسول خدا (ص) به امّی را اینگونه بیان می‌کند: «نامیدن حضرت به امّی از آن روست که او اهل مکه است و مکه از شهرهای مرکزی و مادر است و این گفته خدای متعال در قرآن کریم است که «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا؛ و این (قرآن) کتابی است که ما فرستادیم با خیر و برکت بسیار و گواه صدق سایر کتب آسمانی که در مقابل اوست (تا مردم را به پاداش الهی مژده دهی) و تا خلق را از اهل مکه و هر که به اطراف آن است بیم دهی» (الأنعام/۹۲) (صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۵۳).

۴-۳-۱-۲- بیان مصداق اتم آیه

مصداق اتم، همان مصداق اکمل واژه است که به رغم پذیرا بودن مصادیق متعدد، به چند مصداق که در مرتبه‌ایی بالاتر قرار دارند، گفته می‌شود (مؤدب، ۱۳۹۱ق: ۱۰). امام جواد (ع) در پاسخ شخصی که از آیه «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ * عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ؛ روزی که آن حادثه رخ دهد، گروهی خوار و زبونند و آثار خواری در چهره هایشان نمایان است. آنان در دنیا تلاش بیهوده کرده و رنج و محنت کشیده‌اند» (الغاشیه/۳-۲) می‌یرسد، ناصبی و زیدیه را مصداق اکمل آیه معرفی می‌کند (کشی، بی‌تا: ۷۶۱/۲).

۴-۳-۱-۳- تبیین توسیعی

در تبیین توسیعی «لفظ در مفهومی وسیع‌تر از معنای لغوی و حتی عرفی» تشریح می‌شود (رشاد، ۱۳۸۰ش: ۲۷۲). توسیع مفهوم آیه در روایت تفسیری نمونه‌های زیادی

دارد. امام جواد (ع) در تبیین برخی عبارت‌های قرآن توضیحی فراتر از مفهوم لغوی و عرفی بیان می‌کند. برای نمونه حضرت (ع) در تفسیر «امر حکیم» از آیه شریفه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ در آن شب هر امر سربسته و مجملی که حدود آن نامشخص است باز و مشخص می‌گردد» (الدخان/۴) می‌فرماید: «تدبیر امور سال به سال در شب قدر بر ولی امر نازل می‌شود و آن حضرت (ع) در مورد خودش و مردم به اموری امر می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۸/۱).

۴-۳-۱-۴- تبیین توصیفی

گاهی در روایات تفسیری، واژگان یا آیات مورد توصیف قرار می‌گیرند و وصفی از آنها بیان می‌شود. شخصی از امام جواد (ع) درباره آغاز فریضه صبح می‌پرسد و سردرگمی پیروان و وجود نداشتن یک دیدگاه واحد در این زمینه را بیان می‌کند و چاره کار را می‌پرسد. امام (ع) با توصیف واژه «خیط الأبیض» در آیه «كُلُوا وَشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ؛ و شب‌های روزه بخورید و بیاشامید تا وقتی که رشته سپید صبحدم از رشته سیاه شب برای شما آشکار شود» (البقره/۱۸۷)؛ تکلیف او را روشن می‌سازد. ایشان می‌فرماید: «مراد از رشته سپید، همان است که پایین افق گسترش می‌یابد و هنگام روزه خوردن و آشامیدن را حرام می‌کند و همان سپیدی نماز را واجب می‌گرداند» (همان، ۲۸۲/۲).

ایشان برای توصیف بیشتر می‌فرماید: «صبح صادق آن نوار سپیدی است که به سمت پایین افق گسترش می‌یابد؛ نه آن نوار سپیدی که به بالای افق می‌رود. بنابراین، چه در سفر و چه در حضر تا گسترده شدن آن سپیدی نماز نخوان؛ چرا که خدای متعال آفریدگان خود را در این خصوص با شک و تردید رها نساخته است» (همان).

۴-۳-۱-۵- تفسیر اسماء و صفات الهی با کمک برهان‌های عقلی

گاهی تفسیر آیات جز با کمک برهان‌های عقلی میسر نیست و عدم استفاده از این براهین جمود بر لفظ و گاهی شائبه شرک به همراه دارد. تبیین اسماء و صفات الهی با استفاده از برهان‌های عقلی از کوشش‌های امام جواد (ع) در این زمینه است. زمانی که ایشان از اسماء و صفات الهی مورد پرسش قرار می‌گیرد، که آیا اسماء و صفات او همان خود اوست؟ می‌فرماید: «این سخن شما دو صورت دارد: اگر منظور شما از "همان خود اوست" این است که خدای متعال دارای عدد و کثرت است، خدای متعال فراتر از این پندار می‌باشد و چنانچه مقصود این است که اسماء و صفات همواره بوده است، باز دو مفهوم دارد: اگر بگویی همواره نزد او و در عملش بوده و او شایسته آنهاست. باید گفت آری چنین است. چنانکه بگویی پیوسته صورت و هجا و حروف مقطعه این اسماء و صفات از ازل وجود داشته است، پناه بر خدا از اینکه چیزی جزیی با او بوده باشد؛ بلکه خدای متعال بوده در حالی که آفریده‌ایی وجود نداشته باشد...»

امام (ع) با این مقدمه به توضیح اسماء و صفات الهی می‌پردازد: «خدای متعال تواناست گویای این است که هیچ چیز او را عاجز و ناتوان نمی‌سازد ... خدای متعال عالم است بدون تردید با کلمه عالم چهل را از خداوند نفی کرده است ... (او شنواست) به خاطر اینکه هر آنچه با گوش درک می‌شود بر او پوشیده نیست ... و نیز او را بینا می‌نامیم به این دلیل که هر آنچه با چشم درک شود مانند رنگ، شخص و جز آن بر او پوشیده نیست و در عین حال او را به نگرستن با چشم توصیف می‌کنیم ... همچنین او را لطیف می‌نامیم به این علت که به چیزهای لطیف همانند پشه و کوچکتر

از آن و مخفی‌تر از آن و محلی که از آن محل در بدن حیوانات شروع به رشد و نمو می‌کند و محل عقل و محل شهوت برای جفت‌گیری و میل و عطوفت بر اولادش ... آگاهی دارد. ... همچنین پروردگار خود را قوی می‌نامیم؛ نه به زور بازویی که از آفریدگان سراغ داریم که تشبیه پیش می‌آید ...» (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۱۹۴-۱۹۳).

۴-۳-۲- استفاده از شأن نزول آیه

یکی از تعابیر رایج و کهن در علوم قرآنی و تفسیر، سبب نزول یا شأن نزول است. سبب نزول و شأن نزول، قرینه‌های پیوسته غیر لفظی در تعیین مراد آیه هستند (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ ش: ۱۴۴). در پژوهش‌های معاصر، این دو تعبیر را متفاوت دانسته و گفته‌اند سبب نزول، بازتاب حوادث حین نزول قرآن کریم می‌باشند و منظور از شأن نزول، رویدادی است که در زمان نزول قرآن و یا دوران گذشته اتفاق افتاده است و آیه درباره آن بحث می‌کند (همان، ۱۵۳). در گزارش‌های تاریخی و روایی فریقین، رخدادهای بسیاری به عنوان شأن نزول و یا سبب نزول آیات دانسته شده است که توسط پیشوایان معصوم دین (ع) و یا برخی صحابه بازگو شده‌اند.

امام جواد (ع) در مواردی به شأن نزول آیه توجه دارد و از آن به عنوان قرینه‌ایی برای تعیین مراد آیه استفاده کرده است. ایشان زمانی که از آیه «وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ؛ و این که گوشت دام را با تیرهای قمار سهم‌بندی کنید» (المائدة/۳) مورد پرسش قرار می‌گیرد، می‌فرماید: «مردم زمان جاهلیت چنان بودند که ده نفری شتری را می‌خریدند، با تیرهای چوبی میان خود قرعه می‌انداختند. تیرهای چوبی ده عدد بود که هفت عدد نشانه داشت و سه عدد بدون نشانه بود. هفت عدد تیر چوبی نشانه‌دار «فَذَّ»، «تَوَام»، «نَافَس»، «حَلَس»، «مَسْبِل»، «مَعْلَى» و «رَقِيب» نام داشت

و سه عدد تیر چوبی بی‌نشان «فسیح»، «منیح» و «وغد» نام داشت. پس آن افراد، تیرهای چوبی را بین خود تقسیم می‌کردند. تیرهای بی‌نشان، دست هر کس می‌افتاد، ملزم به پرداخت یک سوم قیمت بیشتر می‌شد. به همین ترتیب، تیرها را بررسی می‌کردند تا صاحبان تیرهای بی‌نشان شناخته شوند و قیمت شترها را از آنها می‌گرفتند و شتر را نحر می‌کردند و تمام هفت نفری که پولی بابت آن نپرداخته بودند، می‌خوردند و به سه نفری که پول شتر را پرداخت کرده بودند، از گوشت آن نمی‌دادند. چون دین اسلام آمد، خدای متعال این راه و رسم جاهلیت را در کارهای شما حرام قرار داد و فرمود: «وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُورٌ» و این که گوشت دام را با تیرهای قمار سهم بندی کنید» (المائده/۳) (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/۳۴۴، ح ۹۳ باب الصيد والذبائح، متى تحل الميته للمضطر).

۴-۳-۳- تفسیر آیات الاحکام

آیات احکام و یا آیات فقهی قرآن، آیاتی هستند که به طور مستقیم با اعمال مکلفان سر و کار دارند که تعداد آنها را پانصد آیه ذکر کرده‌اند. البته این تعداد به غیر از آیاتی است که بررسی محتوای آنها نیز بیانگر یک فرع فقهی است (معرفت، ۱۳۸۵ش: ۲/۲۲۸).

امام جواد (ع) که پیشوای عالمان و فقیهان عصر خود بود، برای بیان احکام

عملی مسلمانان به آیات قرآن کریم استشهاد می‌کرد که برخی عبارتند از:

۱. امام (ع) با استفاده از آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و بدانید که هر فایده‌ای به دست می‌آورد، خمس آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان او، و

یتیمان و بینوایان و در راه مانده از بستگان اوست؛ پس آن را به اهلش بپردازید اگر به خدا و آنچه در روز بدر بر بنده خود محمد فرو فرستادیم ایمان دارید؛ همان روز که خدا با یاری کردن مؤمنان و شکست دادن مشرکان حق را از باطل مشخص ساخت؛ روزی که آن دو گروه مؤمن و مشرک برای نبرد با یکدیگر روبه رو شدند. و خدا بر انجام هر کاری تواناست» (الأنفال/۴۱) می‌فرماید: «خمس غنیمت‌هایی که به دست می‌آورند و منافع و فوایدی که نصیبش می‌شود، همه ساله واجب است» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۴/۱۴۱).

اگر چه روایات اسباب نزول، نزول این آیه را درباره غنیمت‌های جنگ بدر دانسته‌اند، لذا خمس به این دست اموال تعلق می‌گیرد؛ اما ائمه شیعه (ع) سبب نزول را مخصص آیه ندانسته و مفهوم آیه را تعمیم داده‌اند. در روایات ایشان خمس به مطلق فایده و منافع حاصل از کسب و تجارت تعلق گرفته است.

۲. شخصی از امام جواد (ع) پرسید: «درباره مردی که همسرش را به شماره ستارگان آسمان طلاق داده است، چه می‌فرمایید؟» حضرت (ع) فرمود: «سوره طلاق را تا آیه کریمه «فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ و هنگامی که زنان مُطَلَّقه به پایان عده خود نزدیک شدند، یا به آنان رجوع کنید با این هدف که با آنان معاشرت نیکو داشته باشید و حقوقشان را رعایت کنید و یا بگذارید عده‌شان به سر آید و به خوبی و با رعایت حقوقشان از آنان جدا شوید و در صورت جدایی، دو مرد از خودتان (از مؤمنان) را که عادلند بر طلاق گواه گیرید و گواهی را برای خدا برپا دارید. اینها احکامی هستند که هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد بدانها پند داده می‌شود و هر کس از خدا پروا بدارد و حدود الهی را رعایت کند، خدا برای بیرون شدن او از

تنگناها راهی پدید می‌آورد» (الطلاق/۲) بخوان. (بنابراین) طلاق جز با پنج شرط واقع نمی‌شود. گواهی دادن دو شاهد عادل، پاک بودن زن از حیض، همخوابی نکردن در آن پاکی و عزم و اراده قطعی. ای سؤال کننده! آیا در آیات قرآن تعداد ستارگان وجود دارد؟» (همان: ۲۷۴/۶).

۳. فردی از امام جواد (ع) درباره تفاوت طول عده زن مطلقه و زن بیوه که در قرآن آمده است، سؤال می‌کند. حضرت (ع) می‌فرماید: «این که عده مطلقه سه بار پاک شدن است، به خاطر اطمینان از نبودن فرزند در رحم است. ... اما عده زن شوهر مرده به این جهت است که ... به احدی هم ترک هم‌بستری بیش از چهار ماه اجازه نداده است؛ زیرا خدای متعال می‌دانسته که این مدت نهایت صبر و تحمل زن نسبت به ارتباط با مرد خویش است» (کلینی، ۴۰۷: ۱۱۳/۷).

۴. امام (ع) در تفسیر عبارت (وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لَبِغٍ لِلَّهِ) (البقره/۱۷۳) مقصود از حیواناتی را که بدون نام خدا ذبح شوند، حیواناتی می‌داند که برای بت، مجسمه و یا درخت ذبح شوند و خدای متعال آنها را نیز مانند مردار، خون و گوشت خوک حرام کرده است» (رک: صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳۴۳، ح ۹۳ باب الصيد والذبائح ...).

۴-۳-۴- تعیین معنای باطنی آیات

آیات قرآن در دو حوزه ظاهر و باطن به مخاطبان عرضه شده است و همزمان دارای دو معنای ظاهری و باطنی‌اند. معنای ظاهری با استفاده از ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره به دست می‌آید؛ اما معنای باطنی اینگونه نیستند. بطون آیات، به معنای گفته می‌شود که از ظاهر الفاظ قابل استنباط نیستند و بر معنای عرفی هم دلالت ندارند؛ اما قطعاً مقصود خداوند متعال می‌باشند (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ ش: ۲۵۳). اگر چه پاره‌ایی از تأویلات و معنای باطنی آیات در برخی تفسیرها به چشم

می‌خورد که از سوی مفسران تقریر شده است؛ اما از دید برخی از محققان معاصر، به غیر از پیشوایان معصوم (ع)، کسی شأن بیان معنای باطنی آیات قرآن را ندارد و تنها راه شناخت این معانی رجوع به آرای تفسیری ایشان است (همان، صص ۲۵۹-۲۵۶؛ معرفت، ۱۳۸۵ش، صص ۳۰-۲۸)

نمونه‌هایی از بیانات امام جواد (ع) در خصوص بطون آیات در ذیل ارایه می‌شود:

۱. امام جواد (ع) در تفسیر آیه «فِيمَا يَأْتِيكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى؛ پس اگر از جانب من رهنمودی برای شما آمد - که خواهد آمد - هر کس از رهنمود من پیروی کند نه گمراه می‌شود و نه تیره بخت می‌گردد» (طه/۱۲۳) می‌فرماید: «هر کس به امامان معتقد باشد و از فرمانشان پیروی کند و از اطاعتشان بیرون نرود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۱/۵).

۲. ابن ابی عمیر از امام جواد (ع) تفسیر آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به تمام پیمان‌ها و قراردادهای خود وفا کنید» (المائده/۱) را جویا می‌شود که امام در پاسخ او می‌فرماید: «بدرستی که رسول خدا (ص) در ده موضع و محل با آنها (اصحاب) راجع به جانشینی علی (ع) پیمان بست» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۱/۱۶۰).

۳. آن حضرت (ع) آیه «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِيكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا؛ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را (به سوی خود باز) می‌آورد» (البقره/۱۴۸) را به زمان ظهور مهدی موعود پیوند می‌دهد و می‌فرماید: «... از اصحاب و یارانش سیصد و سیزده نفر به شمار شرکت‌کنندگان در جنگ بدر از اطراف زمین بر گرد او می‌آیند» (صدوق، ۱۳۹۵ش: ۲/۳۷۸).

نتیجه

- پیشوایان معصوم دین به حکم آیات قرآن و حدیث گرانسنگ تقلین با درون و برون قرآن محرم‌اند و کلامشان شارح و مفسر قرآن است. امام جواد (ع) بخشی از همراهی و همصدایی خود با ثقل اکبر را با تفسیر و تبیین صحیح آیات نمایانده است. کوشش‌های حضرت (ع) برای بیان معنای صحیح آیات در عصری که مصادف با ظهور و فعالیت جریان‌های انحرافی و تخریب بنیان‌های اعتقادی مسلمان است، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ فرقه‌هایی نوظهوری که برای اثبات اعتقادات و رسیدن به منویات خود، به آیات قرآن دست می‌یازیدند و معنایی وارونه از کلام الهی ارائه می‌دهند.

- امام جواد (ع) به رغم فشارهای سیاسی و کنترل‌های شدید که بی‌شک شعاع فعالیت ایشان را محدود می‌کرد، به فعالیت علمی و فرهنگی پرداخت و راه ائمه پیشین را استمرار بخشید. نگاهی هر چند اجمالی به کوشش‌های امام (ع) در این باره، روشن می‌سازد که ایشان به آموزش قرآن و معارف آن، گسترش دانش حدیث و شیوه‌های نقد آن و تربیت شاگردان میرز در این زمینه اهتمام جدی داشتند.

- امام جواد (ع) با استفاده از قرآن، سنت و اجتهاد به تفسیر قرآن کریم پرداختند و روش‌هایی چون تفسیر قرآن با قرآن، تفسیر قرآن با سنت و تفسیر اجتهادی را پدید می‌آورد که در این میان تفسیر اجتهادی امام (ع) شامل تفسیر مفردات قرآن کریم، شرح آیات الاحکام، تعیین معنای باطنی و سبب نزول آیات می‌شود.

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین الهی قمشه‌ایی.

روش‌شناسی تفسیر امام جواد (علیه‌السلام) ۴۱

۲. ابن شعبه حرانی، ابومحمد؛ (۱۴۰۴هـ)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: موسسه نشر اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ (۱۴۰۸هـ)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. الإمام العسکری؛ (۱۴۰۹ هـ)، تفسیر منسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم: مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۵. بابایی، علی اکبر؛ (۱۳۹۱ش)، بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، تهران: سمت.
۶. بابایی و دیگران؛ (۱۳۸۸ش)، روش‌شناسی تفسیر قرآن، تهران: سمت.
۷. بحرانی، سید هاشم؛ (۱۴۱۶ هـ)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه.
۸. جعفریان، رسول؛ (۱۳۸۶ش)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم: انتشارات انصاریان.
۹. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ (۱۴۰۷ هـ)، الصحاح، بیروت: دالعلم للملایین.
۱۰. خطیب، عبدالکریم؛ (بی‌تا)، التفسیر القرآنی للقرآن، بی‌جا.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ (بی‌تا)، مفردات الفاظ القرآن، تهران: المكتبة المرتضوية.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ (۱۳۷۸ش/۱۴۲۹هـ)، منطق تفسیر قرآن (روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: انتشارات جامعه المصطفی (ص) العالمیه.
۱۳. صدوق، محمدبن علی بن بابویه؛ (۱۴۱۳هـ)، من لایحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. -----؛ (۱۴۰۳ هـ)، معانی الأخبار، مصحح علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. -----؛ (۱۳۹۸ هـ)، التوحید، مصحح هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
۱۶. -----؛ (۱۳۹۵ هـ)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامی.

۴۲ دو فصلنامه تفسیر پژوهی

۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین؛ ۱۳۷۲ش (۱۳۷۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی؛ (۱۴۰۳هـ)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۹هـ)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. -----؛ (۱۴۰۷هـ)، تهذیب الأحکام، محقق حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۱. -----؛ (۱۴۱۵هـ)، الرجال، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود؛ (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، محقق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم؛ (۱۴۰۴هـ)، تفسیر القمی، مصحح طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتب.
۲۴. کشی، محمد بن عمر؛ (۱۴۰۹)، رجال الکشی، محقق حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاهی.
۲۵. -----؛ (بی تا)، رجال الکشی (مع تعلیقات میرداماد الإسترابادی)، محقق مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل البیت.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر؛ (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، تحقیق جمعی از محققان، بیروت: دار أحياء التراث العربی.
۲۸. -----؛ (۱۴۰۴)، مرآة العقول، محقق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: دار الکتب الإسلامیه.

روش‌شناسی تفسیر امام جواد (علیه‌السلام) ۴۳

۲۹. معارف، مجید؛ (۱۳۸۸)، شناخت حدیث (مبانی فهم متن-اصول نقد سند)، چاپ دوم، تهران: نیا.

۳۰. معرفت، محمد هادی؛ (۱۳۸۵)، تفسیر و مفسران، قم: تمهید.

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر؛ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۲. مؤدب، رضا و اویسی، کامران؛ (۱۳۹۱)، گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق(ع)، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۱۰.

۳۳. نجاشی، احمد بن علی؛ (۱۳۶۵)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۳۴. هلالی، سلیم بن قیس؛ (بی‌تا)، ترجمه اسرار آل محمد، مترجم اسماعیل انصاری زنجانی، قم: نشر الهادی.

۳۵. هبثی، ابن حجر؛ (۱۳۸۵ق)، الصواعق المحرقة، مصر: مکتبه القاهره، چاپ دوم.





پښتونستان ښار
پښتونستان ښار
پښتونستان ښار